



اثبات نادرستی فلسفه‌های معنویت‌ستیز؛ عامل گرایش انسان معاصر به عرفان

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) اثبات نادرستی فلسفه‌های معنویت‌ستیز(از جمله پوزیتیویسم) و شکست نظام‌های ضددینی(مانند کمونیسم) را از مهم‌ترین عوامل منجر به گرایش انسان معاصر به معنویت و عرفان برشمرد.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) اثبات نادرستی فلسفه‌های معنویت‌ستیز(از جمله پوزیتیویسم) و شکست نظام‌های ضددینی(مانند کمونیسم) را از مهم‌ترین عوامل منجر به گرایش انسان معاصر به معنویت و عرفان برشمرد.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران(ایکنا)، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی حسنی، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، در ششمین نشست از سلسله نشست‌های سومین جشنواره ملی مطالعات قرآنی دانشجویان کشور با عنوان «عرفان در ادیان توحیدی»؛ به بیان سخنانی درباره عرفان در ادیان توحیدی یا ابراهیمی(یهودیت، مسیحیت و اسلام) و علل گرایش به عرفان و معنویت در دنیای معاصر پرداخت.

وی پس از بررسی اجمالی وضعیت عرفان و تصوف در دنیای اسلام، به گرایش‌ها و تمایلات انسان معاصر در جوامع مختلف و به‌خصوص در جامعه فعلی ما به عرفان و معنویت اشاره و اظهار کرد: البته عرفان در اینجا به معنای گسترده آن مراد است و شامل تمام معنویت‌های نوپدید اعم از سحر و جادو، شیطان‌پرستی و... نیز می‌شود. در دنیای معاصر مردم دنیا و نیز جامعه ما به چیزی گرایش و اعتقاد پیدا می‌کنند که عادی و روزمره نیست و با مباحث عقلی و تجربه و حواس ظاهری ما به دست نمی‌آید.

این محقق و پژوهشگر استقبال از کتاب‌ها و آثار با مضامین عرفانی را بهترین شاهد بر این مدعا برشمرد و خاطرنشان کرد: از همین روست که مثنوی مولانا به سبب مباحث عارفانه و رازورانه خود پرفروش‌ترین کتاب سال آمریکا شده و در جامعه ما نیز کتاب‌هایی از عرفان سرخ‌پوستی و تعالیم اشو گرفته تا مسائل مربوط به کف‌بینی، سحر و جادو، ... رواج یافته و خریدار دارد؛ همچنین ترویج فیلم‌های با مضمون معنویت(در معنای گسترده آن) نیز نشانگر اقبال انسان معاصر در جوامع گوناگون به مباحث عرفانی و معنوی است.

وی در بیان عوامل مختلف مؤثر بر گرایش بشریت حداقل در سه دهه اخیر به سوی معنویت و عرفان تصریح کرد: برخی از نویسندگان غربی گفته‌اند که در قرن 21 یا جامعه انسانی به واسطه جنگ جوامع انسانی با دیگر به واسطه ابزارهای نظامی نابود خواهد شد و یا این که قرن عرفان و معنویت خواهد بود. این رویکرد بشر علل مختلفی دارد، به‌ویژه آن‌که پس از دوره رنسانس و به‌خصوص از عصر روشنگری به این‌سو کاملاً دین و موضوعات مرتبط با آن در عرصه فردی و اجتماعی حذف می‌شود.

دنیای غرب و بازگشت به معنویت

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، در تشریح این مطلب عنوان کرد: جمله معروف نیچه در آن مشهور است که گفته بود: خدا مرده است، او را تشییع جنازه کردیم و من اکنون از تشییع جنازه خدا برمی‌گردم! و حتی در مسیحیت از «الهیات بعد از مرگ خدا» سخن گفتند.

وی با بیان این‌که اکنون دنیای غرب دیگر بار به معنویت گرایش پیدا کرده است، اضافه کرد: البته این لزوماً به این معنا نیست که آنان به همان خدا و اعتقادات قبلی خود برگردند. بلکه بدین معناست که کسانی که به‌طور کلی ماوراء طبیعت و امور مربوط به آن را نفی کرده بودند، دیگر بار به امور ماوراء طبیعی برمی‌گردند؛ حال این بازگشت یا به خداست و یا به موضوعات باطلی چون شیطان‌پرستی و عوامل دیگری که به صورت نادرست به عنوان خدا مطرح می‌کنند.

سیدعلی حسنی:

علم مدرن ماوراء طبیعت را به طور کامل نفی می‌کند. در عصر روشنگری معیار امر صحیح و پذیرفتنی هر آن چیزی بود که با عقل قابل قبول باشد و پس از پایان عصر روشنگری در قرن 18 و پس از ظهور رمانتیسیسم در قسمت‌هایی از اروپا، دوره تجربه‌گرایی فرا می‌رسد

حجت‌الاسلام حسنی افزود: شیطان‌پرستان نیز به یک امر ماوراء طبیعی گرایش دارند، شیطان را خدا می‌دانند و او را پرستش می‌کنند

و در واقع جای خدای واقعی را با شیطان جابجا کرده‌اند. آنان برای خود کتاب، کلیسا و دستورات مقدسی دارند.

سرخوردگی از عقلانیت و علم مدرن

این محقق و پژوهشگر یکی از عوامل گرایش بشر به عرفان و معنویت در دنیای معاصر را سرخوردگی از عقلانیت و علم مدرن برشمرد و ادامه داد: علم مدرن ماوراء طبیعت را به طور کامل نفی می‌کند. در عصر روشنگری معیار امر صحیح و پذیرفتنی هر آن چیزی بود که با عقل قابل قبول باشد و پس از پایان عصر روشنگری در قرن 18 و پس از ظهور رمانتیسیسم در قسمت هایی از اروپا، دوره تجربه‌گرایی فرا می‌رسد.

وی درباره مختصات و ویژگی‌های عصر تجربی خاطرنشان کرد: در این دوره معیار امر صحیح و پذیرفتنی، هر آن چیزی است که تجربه‌پذیر باشد و مراد از تجربه نیز تجربه حسی است. جمله آن پزشک تجربه‌گرا مشهور است که گفته بود: من خدا را در زیر تیغ جراحی نیافتم، پس خدا وجود ندارد. همچنین تعبیر آن فضانوردی که پس از مسافرت به کره ماه (البته اگر سفر او حقیقت داشته باشد!) گفته بود که در اوج آسمان‌ها و کره ماه، اثری از خداوند ندیده است، پس خدا وجود ندارد.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) با اشاره به این‌که این علم با وجود تأثیرات و دستاوردهای بسیار برای بشر نتوانست ایجاد امنیت کند، تصریح کرد: بشر مشکلاتی دارد که علم جدید توان حل و فصل آنها را ندارد؛ از همین روست که در غرب مصرف انواع و اقسام مواد مخدر برای رسیدن به حالاتی خاص و نیز اعتقاد و گرایش به سحر و جادو، کف‌بینی و طالع بینی و اعتقاد به رموز و اعداد و... در تمام طیف‌ها و اقشار اجتماعی فزونی یافته است.

اثبات نادرستی فلسفه‌های معنویت‌ستی

وی با بیان این‌که آنها دریافتند که تنها نباید به طبیعت اکتفا کرد و علمی که از طبیعت برآمده باشد، حلال همه مشکلات آنان نخواهد شد، افزود: یکی دیگر از عواملی که منجر به گرایش بشر به معنویت و عرفان شده اثبات نادرستی فلسفه‌های معنویت‌ستیز بود. از جمله این فلسفه‌ها فلسفه پوزیتیویستی است که کاملاً با دین و معنویت مخالف بودند.

این محقق و پژوهشگر با تأکید بر این‌که نادرستی این فلسفه‌ها امروز به روشنی آشکار شده و کمتر کسی است که مانند اواخر قرن 19 و یا قرن 20 بدان‌ها معتقد باشد، ادامه داد: فلسفه‌های معنویت‌ستیز با شکست و یا حداقل با ضعف‌های شکننده‌ای مواجه شدند و نظام‌هایی که با معنویت ستیز می‌کردند و با آن سر سازش نداشتند - مانند کمونیسم - نیز شکست خوردند.

حجت‌الاسلام حسنی افزود: کمونیسم نظامی بود که تقریباً نیمی از جهان را در اختیار خود گرفته بود و معتقدینی داشت که با هر وجهی از وجوه دین و معنویت مخالف بود. این نظام 70 سال بر دنیا حاکم بود، اما از آنجا که در شعارها و در ارکان خود با هر وجهی از وجوه معنویت مبارزه می‌کرد، طبیعتاً سرانجامی جز ناکامی و شکست نداشت.

تأثیر انقلاب اسلامی ایران در گرایش به معنویت

وی تبلیغات دینی و مذهبی ادیان توحیدی (اسلام، یهودیت و مسیحیت) را یکی دیگر از عوامل منجر به گرایش بشر به معنویت و عرفان در دنیای معاصر خواند و ادامه داد: یکی از حوادث مهمی که منجر به گسترش معنویت در جهان معاصر شد، وقوع انقلاب اسلامی ایران است. با نگاهی مضاعف و از بالا به حوادث، مسائل و مناسبات دنیای معاصر در 30 سال گذشته و حتی سخنان بسیاری از اندیشمندان بزرگ غربی به عظمت و تأثیر انقلاب اسلامی در این زمینه پی خواهیم برد.

سیدعلی حسنی:

در مغرب زمین توهین کردن به چهره مسیح(ع) و مقدسات آن دین، امری عادی محسوب می‌شد و به مسیح(ع) و حتی خدا - به عنوان امری مبتذل و غیرقابل پذیرش - توهین می‌کردند. پس از صدور حکم امام خمینی(ع) به سلمان رشدی و برانگیخته شدن مسلمانان سراسر جهان، مسیحیان عالم نیز زنده شده و به خود آمدند

این محقق و پژوهشگر تصریح کرد: تا چندی پیش در غرب و حتی در جوامع دانشگاهی کشور ما (دهه 30 و 40) دین و دینداری را امری مبتذل و مضحك جلوه می‌دادند، اما با ظهور انقلاب اسلامی در ایران معادلات به هم خورده و دیگر بار نه تنها از خدا و دین، بلکه از حکومت دینی سخن به میان می‌آید و مدعی می‌شود که دین باید در همه عرصه‌های زندگی اعم از سیاست، اقتصاد، مدیریت، جامعه‌شناسی و... دخالت کند.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) یادآور شد: مجله تایم که چند دهه قبل تیتراژ خود را به مرگ خدا

اختصاص داده بود، پس از انقلاب اسلامی ایران در عنوان روی جلد خود از زنده شدن خداوند و بازگشت دوباره او به جوامع انسانی سخن گفت و این امر نشانگر تأثیر بسیار بالای انقلاب اسلامی ایران در بازگشت انسان معاصر به دین و معنویت است.

وی در بیان یکی دیگر علائم و تأثیرات انقلاب اسلامی و آموزه‌های آن در بازگشت انسان معاصر به دین و معنویت تأکید کرد: در مغرب زمین توهین کردن به چهره مسیح(ع) و مقدسات آن دین، امری عادی محسوب می‌شد و به مسیح(ع) و حتی خدا - به عنوان امری مبتذل و غیرقابل پذیرش - توهین می‌کردند. پس از صدور حکم امام خمینی(ع) درباره سلمان رشدی و برانگیخته شدن مسلمانان سراسر جهان، مسیحیان عالم نیز زنده شده و به خود آمدند.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) ادامه داد: در چند دهه اخیر چندین بار نسبت به کشیدن کاریکاتور یا ساختن فیلم و... درباره امور مقدس مسیحیت و توهین به مسیح(ع) با تظاهرات و راهپیمایی، اعتراض خود را علنی کرده‌اند؛ کسانی که تا پیش از آن حتی جرأت چنین کارهایی نداشتند.

حجت‌الاسلام حسنی خاطرنشان کرد: حال که دنیا به سوی معنویت به پیش می‌رود، یقیناً این موضوع برای ابرقدرت‌ها، صاحبان زر و زور و کسانی که منافعشان به خطر می‌افتد، خوشایند نیست و آنان برای مقابله با این امر برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای انجام می‌دهند و یکی از کارهای آنان، ایجاد عرفان‌های کاذب است. بسیاری از عرفان‌های نوپدید امروز و معنویت‌های نوظهور از پایگاه‌های اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل، آمریکا و انگلستان سر در می‌آورند و دشمن با این کارها درصدد است تا بتواند معادلات دنیای امروز را به نفع خود رقم بزند.

وی در پایان درباره بزرگترین نقاط تمایز بین عرفان برآمده از ادیان الهی و معنویت‌های نوظهور تصریح کرد: عرفان در ادیان توحیدی(یهودیت، مسیحیت و اسلام) به معنای شناخت خداوند است، اما در بسیاری از عرفان‌های کاذب و نوپدید، سخنی از خدا و شریعت در میان نیست و در آن‌ها شخص به خود، شهوت و قدرت - و نه به خدا و معنویت و بندگی - دعوت می‌شود.